بسم الله الرحمن الرحیم درس خارج فقه استاد سید محمد جواد شبیری 21 فروردین 1396.

خب بحث سر این بود که این قانون که در ارث بردن هر کسی نصیب من یتقرب به را می برد و کأنه فرض می کنیم که آن یتقرب به از دنیا رفته باشد و این وارث مستقیم او هست این نحوه تقسیم ارث به این نحو باشد که این را مرحوم شیخ طوسی در خلاف جلد 4 صفحه 14 می گوید عندنا این است که مسئله این گونه است و ادعای اجماع هم در موردش کرده است. وجه این چیست؟ به تناسب به آیه اولوا الارحام بعضهم اولا ببعض فی کتاب الله اشاره کردیم. عرض شد که این آیه، حالا قبل از آن این نکته را بگویم که اولوا الارحام بعضهم اولا ببعض فی کتاب الله در دو جای قرآن وارد شده است. یکی در آخر سوره انفال آیه 75 و یکی در سوره احزاب آیه 6 وارد شده است که در سوره احزاب یک قبل و بعدی دارد که احیانا ممکن است مؤثر در فهم آیه باشد. این است

النَّبِيُّ أَوْلَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَ أَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ وَ أُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَى بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُهَاجِرِينَ إِلاَّ أَنْ تَفْعَلُوا إِلَى أَوْلِيَائِكُمْ مَعْرُوفاً كَانَ ذٰلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُوراً

یک سری بحث هایی در مورد این به خصوص آیه دوم بعدا عرض خواهیم کرد. خب بحث این بود که مفاد اولوا الارحام بعضهم اولا ببعض فی کتاب الله چیست؟ روایات زیادی هست که از آن استفاده می شود که مفاد این آیه این است که اولوا الارحام ارث می برند غیر اولوا الارحام ارث نمی برند. یعنی اولوا الارحام بر غیر اولوا الارحام مقدم هستند. تقدیم اولوا الارحام بر غیر اولوا الارحام که در عامه هم معمولا این آیه را به همین معنا معنا کرده اند. مثلا یکی از عبارت هایی که در عامه هست که من یادداشت کردم در احکام القرآن جساس مثلا می گوید

قوله تعالی اولوا الارحام بعضهم اولی ببعض فی کتاب الله فجعل ذوی الارحام اولی من الخلفاء

احکام القرآن جساس جلد 3 صفحه 34. شبیه این خیلی زیاد است من این عبارتش را خیلی خوشم آمد این را یادداشت کردم. در روایات ما هم اینکه این آیه ناظر به این است که اولوا الارحام ارث می برند و در جایی که یک اولوا الارحام باشد و یک غیر اولوا الارحام، اولوا الارحام مقدم است. روایات زیادی است من یک روایتش را می خوانم صحیحه محمد بن قیس عن ابی جعفر علیه السلام. این در جامع احادیث جلد 29 صفحه 466 روایت 44982 که

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ قَيْسٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ قَضَى أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع فِي خَالَةٍ جَاءَتْ تُخَاصِمُ فِي مَوْلَى رَجُلٍ مَاتَ فَقَرَأَ هَذِهِ الْآيَةَ- وَ أُولُوا الْأَرْحٰامِ بَعْضُهُمْ أَوْلىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتٰابِ اللّٰهِ فَدَفَعَ الْمِيرَاثَ إِلَى الْخَالَةِ وَ لَمْ يُعْطِ الْمَوْلَى

در جایی که بین خاله و مولی دوران امر هست کدام ارث می برند این به خاله داده شده است.

خب این یک روایت. و روایت هایی مشابه این خیلی زیاد است که به آیه تمسک شده است همان روایت های قبلی این است که در این بابی که از 44678 شروع می شود روایت های متعددی دارد که از آن استفاده می شود که این آیه مفادش این است. خب ابتدائا هم این آیه مرادش این است. توضیح این مطلب عرض کنم ببینید ما در بحث اولی دو تا اولی گاهی اوقات متعلَّقش با «با» هست و یک متعلقش با «مِن» است آن که با «با» هست در واقع آن است که ماده ولا به جهت ماده اولی به. آن مربوط به ماده است و آن «مِن» مربوط به جهت افعل تفضیل است. افعل تفضیل خب مفضّل علیه اش با مِن متعدی میشود. این من برای روشن شدن این مطلب یکی دو تا روایت می خوانم تعبیراتش را ببینید این دو تا متعلَّق را. یک روایتی هست در وسائل جلد 13 صفحه 553 حدیث 18426. در بحث حج می گوید

كَانَتْ قُرَيْشٌ تُفِيضُ مِنَ الْمُزْدَلِفَةِ فِي الْجَاهِلِيَّةِ وَ يَقُولُونَ نَحْنُ أَوْلَى بِالْبَيْتِ مِنَ النَّاسِ

روز نهم ذی حجه از صبح حرکت حاجی ها به طرف منا شروع می شود اول منا هستند از منا می روند مزدلفه و ظهر نهم وارد عرفه می شوند و بعد بر می گردند از شب دهم و دوباره مزدلفه و پایین. که از منا به طرف عرفات سر بالایی است. از عرفات به آن طرف سرپایینی است. تفیض یعنی افاضه کردن یعنی سرازیر شدن. قریش می گفتند که ما چون اهل بیت هستیم و خانه خدا مال ما هست از حرم ما بیرون نمی رویم. مزدلفه که آخر حرم هست تا آنجا می رویم و عرفات خارج از حرم است. از مزدلفه سرازیر می شدند. خب آیه قرآن این مطلب را تخطئه کرده است و پیغمبر هم رفتند از عرفات افاضه کردند و اینها. این می گوید

كَانَتْ قُرَيْشٌ تُفِيضُ مِنَ الْمُزْدَلِفَةِ فِي الْجَاهِلِيَّةِ وَ يَقُولُونَ نَحْنُ أَوْلَى بِالْبَيْتِ مِنَ النَّاسِ

ما نسبت به بیت از مردم احق هستیم. چون احق هستیم کأنه باید مواظبش باشیم و ملک ما است و دیگر از محدوده بیت که حرم هست حرم حریم بیت است. از حریم آن خارج نشویم. مردم عادی باید بروند از خارج حرم ولی ما پاسداران حرمت حرم هستیم. بنابر این باید از حرم افاضه کنیم. یک بالبیت داریم متعلّق به با داریم و یکی ناس داریم. یا شبیه این در ذیل آیه انما ولیکم الله و رسوله و الذین آمنوا یک روایتی در وسائل جلد 9 صفحه 477 حدیث 12534 یکم باب این جوری تعبیر کرده است

إِنَّمَا يَعْنِي أَوْلَى بِكُمْ أَحَقُّ بِكُمْ وَ بِأُمُورِكُمْ- مِنْ أَنْفُسِكُمْ

یکی متعلق به با هست و یکی آن متعلّق به مِن. در خود همین آیه شریفه هم در سوره احزاب شبیه این وارد شده است. النبی اولی بالمؤمنین من انفسهم. پیامبر احق هستند نسبت به مؤمنین از خودشان. یک کلمه ای هست که با «با» متعدی شده است و یکی با «مِن»

وَ أَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ وَ أُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَى بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُهَاجِرِينَ

البته این در مورد من المؤمنین و المهاجرین یک اختلافی هست که این من المؤمنین و المهاجرین، عطف بیان هست از توضیح هست یعنی بیان هست از اولوا الارحام یا صله اولی است. همان من که متعلّق اولی است یک موقعی بعضی ها اینگونه تعبیر کرده اند که اولوا الارحام من المؤمنین و المهاجرین بعضهم اولی ببعض فی کتاب الله. ولی معنایی که ظاهرا معنای دوم روشن تر هم هست که معنا کرده اند مرحوم مقدس اردبیلی هم در زبده البیان اشاره می کنند که این اولی هست ظاهر آیه هم با این بیشتر سازگار هست این که من المؤمنین و المهاجرین متعلق به آن اولی باشد. اولی من المؤمنین و المهاجرین. اشاره به دو تا ولایتی که قبل از این آیه مطرح بوده است. یکی ولایت ایمانی اخوّت ایمانی منشأ ارث بوده است و یکی ولایت مهاجرت یعنی هجرت که خود آیات قرآن هم در مورد اینکه هجرت منشأ یک نوع هدایتی می شود و ایمان المؤمنین بعضهم اولی ببعض امثال اینها آنها را مطرح کرده است این بحث این است که ولایت رحمی از ولایتی که به جهت ایمان و به جهت هجرت حاصل می شود این مقدم بر آن ولایت هست.

سؤآل:

پاسخ: آنها هر کدامشان اقتضاء یک نوع تقدیمی دارند. مقایسه کرده است بین مواردی که یک نوع اقتضائاتی دارد می گوید اقتضائی که در بحث رحم هست باعث می شود که رحم مقدم باشد. یعنی اگر جایی دوران امر بین اینها شد رحمیت مقدم بر آنها هست. جایی که مثلا اینها نبودند و فقط ایمان و فقط مهاجرین بود ایمان و مهاجرین خودشان فی نفسه مطرح هستند که این مقدارش اگر مراد این باشد نسخ شد ه است. چون در روایات هست که اوایل هجرت به وسیله ایمان و به وسیله هجرت ارث داده می شده است ولی بعد نسخ شده است به اولوا الارحام و فقط ملاک اولوا الارحام بوده است. شاید چند مرحله این نسخ بوده است. یعنی در مرحله اول تقدیم اولوا الارحام بر بحث ولایت ایمانی و ولایت هجرتی مطرح بوده است اینکه اگر اینها با هم دیگر تزاحم داشتند ولایت رحمی مقدم هست و بعد اصلا آن ولایت هجرت و ولایت چیز کلا حذف شده است. کلا از گردانه بحث مربوط به ارث و اینها خارج شده است. در آیه سوره انفال دیگر آن من المؤمنین و المهاجرین هم ندارد. اولوا الارحام بعضهم اولی ببعض کتاب الله دارد. من المؤمنین و المهاجرین هم ندارد که شاید نمی دانم الآن از جهت نزول احزاب مقدم است یا انفال مقدم است اگر انفاق متأخر از احزاب باشد شاید به جهت اینکه می خواهد دیگر بحث را به صورت کلی بگوید کأنه ولایتی که وجود دارد از غیر آنها مقدّم هستند و دیگر اختصاص به بحث ولایت ایمانی و امثال اینها نداشته باشد. خب علی أی تقدیر ابتدائا مفاد آیه مفادی هست که خب روایات زیادی هم بر طبق آن هست. ولی یک مطلبی که در کلمات فقهای ما مکرر ذکر شده است، و روایاتی هم بر طبق آن وارد شده است این است که به این آیه شریفه تمسک می کنند بر اینکه الاقرب یمنع الابعد. این را مرحوم شیخ طوسی در تهذیب جلد 9 صفحه 261 در خلاف جلد 4 صفحه 64 فرموده است

انما اراد ذلک الاقرب فالاقرب بلا خلاف

در ایضاح الفوائد مرحوم فخر المحققین جلد 4 صفحه 228 فرموده است که

استدل الکل بهذه الآیه علی ان الاقرب یمنع الابعد

و در کلمات فقها هم خیلی مکرر حالا من بعضی هایش را یادداشت کرده ام و بعضی هایش را می خوانم مثلا در مقنعه شیخ مفید دارد که صفحه 683

قال الله عز و جل و اولوا الارحام بعضهم اولی ببعض فی کتاب الله فخبّر انهم بعضهم اولی ببعض للرحم فوجب ان یکون الاقرب اولی من ابابعد فی المیراث.

در انتصار صفحه 557 دارد

لأن الله تعالى قال «وَ أُولُوا الْأَرْحٰامِ بَعْضُهُمْ أَوْلىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتٰابِ اللّٰهِ» «2»، فنص على القربى و تداني الأرحام سبب في استحقاق الميراث، و البنت أقرب من الأخت و أدنى رحما.

که هر کسی ادنی رحما باشد او باید ارث ببرد. صفحه 569 رسائل شریف مرتضی جلد 1 صفحه 262. خلاف جلد 4 صفحه 37، 46، 58، 62، 64 خیلی دیگر حالا من دیگر آنها را چیز نکردم. در تبیان هم به یک تناسب همین را دارد. تبیان جلد 8 دو جا هم در ذیل آیه انفال وارد شده است. تبیان جلد 5 صفحه 165

فی الآیه دلاله علی ان من کان قربی اقرب الی المیت کان اولی بالمیراث سواء کان عصبه أو لم یکن أو له تسمیه او لم یکن له تسمیه

در ذیل سوره احزاب هم دوبار این مطلب تکرار شده است.

فین الله تعالی ان اولی الارحام اولی ببعض أی من کان قربی و اقرب فهو احق بالمیراث من الابعد

بعد یک روایت را نقل می کند بعد می گوید که این روایت

خبر واحد ... علی سنده لا یترک لعجله ظاهر القرآن الذی بیّن فی ان اولی الارحام الاقرب منهم اولی من الابعد.

یک سری روایات هم همین معنا از آنها استفاده می شود. حالا من بعضی از این روایات را که یادداشت کرده ام را می خوانم. 44682. در تفسیر عیاشی هست

عن زراره عن أبی جعفر علیه السلام فی قول الله و اولوا الارحام بعضهم اولی ببعض فی کتاب الله انّ بعضهم اولی بالمیراث من بعض لأنّ اقربهم الیه رحما اولی به ثم قال ابو جعفر انهم اولا بالمیت و اقربهم الیه أمّهم و أخوه و اخته لأمه و أبیه. أ لیس الأم اقرب من المیت من اخوته و اخواته؟

بحث مقدّم بودن اقرب نسبت به ابعد را اینجا باز مطرح می کند. آن اخوه و اخوات بحث عصبه هست حالا می خواهد بگوید که سنی ها عصبه را مقدم می دارند می گوید که آیه قرآن رد عصبه هست طبق این روایت چون ام نسبت به اخوه و اخوات در یک طبقه مقدمی هستند، از این آیه استفاده می شود که آنها مقدم هستند. 44683 این روایت که صحیحه است حالا آن روایت مرسل بود و این روایت صحیح السند هم هست.

محمد بن الوليد قال حدثني حماد بن عثمان قال سألت أبا الحسن الرضا ع عن رجل مات و ترك أما و أخا

مادرش هست و برادر. حالا کدام ارث می برد؟ سنی ها می گویند که سهمی که مادر در قرآن تعیین شده است که یک ششم است به او داده می شود و بقیه را به اخ می دهند

فقال يا شيخ عن الكتاب تسأل أو عن السنة قال حماد فظننت أنه يعني قول الناس

یعنی سنتی که سنی ها نقل کرده اند نه سنت واقعی.

عني قول الناس قال قلت عن الكتاب

نه آن سنتی که آنها نقل کرده اند به آن کاری ندارم. یک روایت جالبی زراره دارد همین در تفسیر همین سنّه این را ببینید در همین بحث ارث است. می گوید همین بحث عصبه و اینها صحبت می کنیم می گوییم که این در قرآن هست می گویند نه. می گوییم پس مدرک شما چیست؟ می گویند که سنت هست. می گوییم سنت رسول الله أو سنت الشیطان؟ قال سنت فلان و فلان. حالا این هم می گوید که این سنت فلان و فلان را کار ندارم این عن الکتاب می خواهم مطلب را بر من روشن کنی

قلت عن الكتاب قال إن عليا ع كان يورث الأقرب فالأقرب

کأنه از آیه قرآن استفاده می شود که الاقرب فالاقرب هست. آیه قرآن یا ناظر به همین اولوا الارحام بعضهم اولی ببعض است. یا ناظر به آن یکی آیه ارث هست. یکآیه دیگرارث ما داریم که اتفاقا در آن آیه هم بعضی از روایات وارد شده است که آن را تطبیق داده است الاقرب فالاقرب 44618 آیه لکل جعلنا موالی مما ترک الوالدان و الاقربون در ذیلش این است آن روایت موثقه هست.

عن زراره قال سمعت ابا عبد الله علیه السلام یقول و لکل جعلنا موالی مما ترک الوالدان و الاقربون قال انما انی بذلک اولوا الارحام فی المواریث و لم یعنی اولیاء النعمه

اولیاء النعمه یعنی معتق. یعنی مراد از این موالی ای که این آیه هست موالی نیست که معتق ها باشند بلکه همین اولوا الارحام در مواریث هست.

فاولاهم بالمیت اقربهم الیه من الرحم التی تجرّه الیها.

ظاهرا می خواهد بگوید که از خود همین آیه این مطلب استفاده می شود که اولاهم بالمیّت اقربهم الیه من الرحم التی تجرّه الیها. حالا چطوری استفاده می شود من روایات را می خوانم در مورد نحوه استفاده از این مطلب بعدا صحبت می کنیم.

سؤال:

پاسخ: حالا آن هم می خواهیم ببینیم که آیا منهای این روایات هم می توانیم از این آیه استفاده کنیم یا نمی توانیم استفاده کنیم. حالا عرض می کنم.

سؤآل

پاسخ: حالا که گفتید بگذارید یکی دو تا منبع بدهم که ملاحظه فرمایید. در این مطلب من فرصت نکردم کلمات فقها را کامل نگاه کنم ولی بعضی از کلمات را که دیدم که برای این بحث مفید است یکی انوار الفقاهه مرحوم شیخ حسن هست که ایشان می خواهد بگوید که از آیه هر دو مفهوم استفاده می شود. توضیحی دارد من بعدا در موردش توضیح می دهم. در این کتاب برنامه جامع الفقه انوار الفقاهه کتاب المیراث صفحه 27. این یک بحث و یک بحث دیگری در مورد این در مستند الشیعه مرحوم نراقی کرده است جلد 19 صفحه 146 صفحه 162. انوار الفقاهه کتاب الصلوه آن هم صفحه 218 توضیحی دارد برای این بحث مفید است. غنائم الایام مرحوم میرزای قمی جلد 3 صفحه 379 هم ببینید این هم به این بحث ارتباط دارد. علی القاعده این بحث باید در خیلی از منابع دیگری هم وجود داشته باشد ما در موردش مفصل صحبت می کنیم. ولی حالا روایت دیگر این بحث را که حالا بخوانیم امروز روایات را و توضیحات روایت باشد انشاء الله شنبه. روایت بعدی 44683 هست. همین بود که خواندم بحث روایت قرب الاسناد بود که می گوید کأنه از آیه قران الاقرب فالاقرب استفاده می شود. روایت بعدی 44722

روی احمد بن محمد بن ابی نصر عن الحسن بن موسی الخیاط

در ذهنم هست که ما حنّاط را ترجیح دادیم. الآن در ذهنم این جوری است. این در بعضی از نسخ خیاط است و در بعضی از نسخ حناط است یک بار بحثش را همین جا کردیم

عن الفضیل بن یسار

این روایت حسن بن موسی الحناط حالا یادم نیست توثیق صریح دارد یا خیر ولی روایت احمد بن محمد بن ابی نصر برای اثبات وثاقتش کافی است.

قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ع يَقُولُ لَا وَ اللَّهِ مَا وَرِثَ رَسُولَ اللَّهِ ص الْعَبَّاسُ وَ لَا عَلِيٌّ ع وَ لَا وَرِثَتْهُ إِلَّا فَاطِمَةُ ع وَ مَا كَانَ أَخَذَ عَلِيٌّ ع السِّلَاحَ وَ غَيْرَهُ إِلَّا لِأَنَّهُ قَضَى عَنْهُ دَيْنَهُ

حضرت علی وارث نبود بلکه وصی بود. چون وصی بود دین داشتند و دین بر ارث مقدم بود. سلاح پیغمبر را گرفتند که با این سلاح را بفروشند به وسیله الا انه قضی عنه دینه. سلاح را گرفتند در مقابل اینکه دین را پرداخت کردند آن سلاح به جای دین در واقع حضرت امیر نه به خاطر اینکه وارث بودند چون وصی بودند این سلاح را از باب دین، دین را پرداخت کردند و سلاح را مالک شدند

ثُمَّ قَالَ ع- وَ أُولُوا الْأَرْحٰامِ بَعْضُهُمْ أَوْلىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتٰابِ اللّٰهِ‌

ببینید عباس که عمو هست و حضرت علی هم که پسر عمو هستند. اینها هر دو اولوا الارحام هستند. می گوید حضرت زهرا (س) که دختر هستند این دختر مقدم بر عمو پسر عمو هستند. به خاطر آیه اولوا الارحام بعضهم اولی ببعض فی کتاب الله. به این آیه تمسک شده است. این هم این روایت.

روایت دیگر روایت 44962 هست. که همان روایتی که قبلا هم خواندیم این روایت را ولی یک بار دیگر می خوانیم می گوید

الْخَالُ وَ الْخَالَةُ يَرِثَانِ إِذَا لَمْ يَكُنْ مَعَهُمَا أَحَدٌ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ- وَ أُولُوا الْأَرْحٰامِ بَعْضُهُمْ أَوْلىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتٰابِ اللّٰهِ‌

یک ذیلی در تفسیر عیاشی دارد آن چیزی که شاهد ما هست مال ذیلش است می گوید

اذا التفّت القرابات فالسابق احق بالمیراث من قرابته

حالا بنابر این که بگوییم که این ذیل را هم این روایت می خواهد بگوید که از خود آیه استفاده می شود. مگر حالا بگویید که این انقدر دیگر ظهور ندارد که از آیه استفاده می شود. ممکن است بگوید که از خارج آیه این مطلب استفاده می شود. بعدی 44975. در همین عوائد ابی ایوب هست که آن دیگر بحث آیه نیست. عرض کنم خدمت شما یک این روایاتی که اینجا هست از اینها استفاده می شود که از آیه قرآن و از قرآن تقدیم الاقرب فالاقرب استفاده می شود. این را ملاحظه فرمایید این منابعی هم که خدمتتان عرض کردم ملاحظه فرمایید در موردش بعدا صحبت خواهیم کرد.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آل محمد